

نیست ایمن از بلا هرکس بفکر جستجوست
روز و شب گردآب را از موج خنجر در گلوست
(بیدل)

با پیشکش درود و تمنای سلامتی برای شما آقای فولادگر !
تذکر لازم خدمت شان :

بخاطر خستگی تراکم نموده از آن سال های سیاه وحشت و دهشت و یاد آوری آن همه عذاب و شکنجه که بر من در زندان پلچرخ گذشت ، با انتقاد پذیری این نگاشته را بدون بازنگری و گذاشتن گیمه ها در دو طرف واژه ها - واژه هایی که توسط سوسیال امپریالیزم شوری آن وقت و هم اکنون توسط اجیران قلم بدست آن کشور (خلق و پرچم و خاد و سازا) شقه شقه شده و به نشتری تبدیل شده در چشم مردم خونین چشمم [مردمی که از جانب این ناکسان ، خودشان ، دلبندان شان ، باورهای شان ، عصمت و ناموس شان ، دار و ندار شان و هست و بود شان زیر نام "انقلاب" ، "سوسیالیزم" ، "کمونیزم" ، "دموکراتیزم" ، "آزادی" ، "رفاه" و "آسایش" و چی و چی در گرداب سرب مذاب هزاران بار فرو برده شده است] به سایت های مورد نظر فرستادم .

منکه بخاطر عضویت در سازمان پر افتخار ساوو به 16 سال حبس در زندان مخوف پلچرخ محکوم شدم و شدت درد استعمار را - زیر پوشش همین واژه هایی که من با تمام جان به آن باورمندم و در راه تحقق آن از جان خودم مایه گذاشته ام - روی مغز استخوان و عمق روانم حس کرده ام ، چگونه و چسان می توانم به آرمان ، به راه و رسم خود ، به آرمان قهرمانان این جنبش : عبدالرحمان محمودی ها ، یاری ها ، رستاخیز ها ، مجید ها ، بهمن ها ، مسجدی ها (که بنا بر توصیه این دانشمند این کمونیست اسطوره ساز و تسلیم ناپذیر کلمه " ناتور " را پیشنهاد تخلص نمودم) لطیف محمودی ها و صد های دیگر پشت نمایم و اخوان و کمونیزم را در یک ردیف قرار بدهم .

از شما بخاطر نقد تان در همین مورد و از تذکر سایر رفقا و دوستانی که مزید بر یاد آوری در مورد نگذاشتن گیمه در دو طرف گفته های معروف شده (" اخوان الکونیست ") ، همچنان از اینکه متن نگاشته را که از نظر دوستان ما که فکر کرده اند " چنین متنی نخستین دفعه ایست که بار دراماتیک یافته و چنین متنی در ادبیات مقاومت کشور ما سزارو ستایش است " و لطفی نموده اند که منی فروتن ، خود را در خور آنهمه ستایش نمی بینم ؛ ابراز سپاس بی پایان و رفیقانه می نمایم . درکار و بار مبارزاتی تان پیروز باشید . ناتور رحمانی

اینک متن «اخوان الکونیست» ، «کمونیست الاخوان»
بعد از گذاشتن گیمه ها و بازنگری و فرجام گفت و شنود
دو شیطان که در متن ارسال شده از قلم بازمانده بود تقدیم
خوانندگان میشود .

«اخوان الكمونيست» ، «كمونست الاخوان»

بازیگران : (شیطان « سبز ») و (شیطان " سرخ ")

زمان : درازنای بیشتر از سه دهه .
موقعیت صحنه : سر زمین اشغال شده ی افغانستان.

شیطان "سبز" - « نفسم درین تنگناه ای آتش و دود به شماره افتاده است . آنچه آتش افروختم شراره هایش مرا سوخت و از دود آن کور شدم . شیطانک سرخ ! من میدانم این همه وزیدن باد مخالف درجهت خودم کار تست . درست گفتم ؟ »

شیطان "سرخ" - « من را بیدیه حقارت منگر . من خرد و کوچک نیستم . من همان شیطان سرخ بزرگ هستم . بوضاحت درک کرده یی جهنم آتشی را که در چهارسوق جهان افروخته یی تا درپناه تیرگی های دود و خاکستر آن مراد بدست آری و سرمایه های جهانرا چپاول

نمایی . من آری من دود آن هیزم تر را به چشمت پُف میکنم تا به کوری چشمت من هم به حق و حصه ای برسم ، شیطان سبز».

شیطان "سبز" -- : « چرا بمن شیطان سبز خطاب میکنی ؟ »
شیطان "سرخ" -- : « ؛ مگر غیر ازین است که مراوده ، پیوند و بقای منافع بیشترین خود را در ابقاء و موجودیت اخوان از نوع مخرب و افراطی آن میدانی ؛ مگر برای حمایه خود ودست باز داشتن برای استعمار و استثمار کشورهای فقیر و سنتی کمر بند سبز بدورت ایجاد نمودی ؟

خودت خوب میدانی که سبز های سیه دل در ادامه بقاء و حیاتت نقشی دارند که بیک اشاره ات خود را منفجر ساخته و ماحولی را به خاک و خون می کشانند . بین خود هستیم، بیا اعتراف کن ؛ مگر بوجود آوردن ملا لادن ، ملا صدر ، ملا عمر ، ملا حسین احمد و صدها ملای مخرب و شاید دیگر از ابتکارات خودت نیست ؟

مگر آنها را بمثابه کرم های نوک چنگک به قصد صید ماهی های معصوم و مظلوم و بی زبان درهر زمان ، درهرکشور و هربرکه ای فرو نمی بری . آنها از برکت پشتیبانی و سازوبرگ نظامی ات همانطور لُک و درست زنده میمانند ، تا در زمان دیگر ، درکشور دیگر و برکه دیگری از وجودشان استفاده گردد . و خودت از همان آب های خِت و گل آلود بنام عقیده ، مذهب و ایمان ، ماهی های بزرگ بزرگ می گیری و اذهان عامه جهانیان را به آشفته فکری دچار می سازی یکوقت تو باشعار (**دین در خطر است**) به دور من آتش افروختی و اکنون من « باهمین شعار تورا در آتشی که خودت افروخته بی میسوزانم »

شیطان "سبز" - : « بس ، بس ! زیاد گفتی و بی ملاحظه حرف میزنی . درواقع تو رازی را افشاء میسازی که جهان از آن خبر دارد . این ترفند ها و طرح های من را همه مردم دنیا میدانند ؛ مگر چه کرده میتوانند ، زور قالب ندارد ... گذشته ازین آیا این انتقام گیری ها به

خاطر شکست افتضاح آمیزت درخپهء بیگانه سوز ، یعنی افغانستان نیست که دست من در عقب هر رهبر ، هر جبهه و هر تفنگدار خود فروخته آن دیده میشود ؟ »

شیطان "سرخ" :- « دقیقاً همینطور است . تو توطئه گر چالاک آیا فراست اینرا داری که بدانی انتقام شکست من را پس میدی ؟ هزیمت شرم آور تو درعراق ، درلبنان ، درشرق دور ، درشرق میانه ، درشاخ افریقا ، درامریکای جنوبی ، درآسیا ودراقصای نقاط دنیا ، روح انتقامجوی مرا اقناع مینماید . این گپ ؛ حتا به گذشته های دور مرتبط میگردد . آنگاهی که شهر های پرنفوس هیروشیما و ناکازاکی را با بمب های اتمی نوساخته ات با خاک یکسان نمودی ؛ زمانی که به کشور ویتنام قهرمان حمله کردی ؛ هنگامیکه بفکر محاصره اقتصادی و تحریم کشور کوچک کوبا افتادی ؛ در آن برهه ایکه در فکر تسخیر افغانستان... »

شیطان "سبز" :- « پس تشکیل این مثلث شیطانی زیر نام گویا (جبهه ملی ، یا شورای صلح) درافغانستان کارست ؟ »

شیطان "سرخ" - : « ببین بحث را بدور نبر گپ و گفت درمورد تجاوزات تو و به خاک و خون کشیدن سرزمین های دیگران است تو گپ را کج میبری بگذار من صحبت کنم ، گپم را قطع نکن ! اگر خواسته باشی در مورد جبهه متحد چیزی بدانی . بلی ، بلی ! این کارمن است ؛ مگر من را مرده تصور کرده یی . من هنوز زنده هستم و بزرگترین نیروی نظامی جهانم . تنها و تنها قیمت سلاح فروخته شده ام در ایران عزیز تو دریک سال به ملیارد ها دالر می رسد . در مورد دیگر کشور ها نپرس که به چه مقدار سلاح سالانه بفروش می رسانم . هم اکنون متخصصین کار آزموده سلاح سازی من سرگرم ساختمان سلاح هایی است که سازمان سیا تو تصورش را هم کرده نمی تواند . بلی ، من با همدستی هم پیمان های ضد سیاست های تجاوزکارانه خودت درهرگوشه دنیا که لازم باشد ، جهت شکست و

باز هم منفور ساختن ات ازین کارها میکنم . این مثلث هم که هر ضلع اش را برادرها ، رفقا و طالب ها شکل داده اند از همان آتش های است که خودت پخته یی و من از سالها بدینسو در میان آنها عوامل پرچمی - خلقی - خادی و سازایی خود را فرستاده و از درون آنها را تسخیر کرده ام و حالا ببین که چطور دهن خودت را میسوزاند .»

شیطان "سبز" :- « دانستم ؛ یعنی اتحادیه یا مثلث "اخوان الکمونیست ، الطالب " . اما فراموش نمودی که اینها در گذشته ها هم ، نظر به دستور، بارها باهم پیوند شده ، پیمان بسته و تشریک مساعی برای چاکری داشته اند که زود ازهم گسسته ، باز مقابل همدیگر تیر و تلوار گرفته کشور شانرا بخاک و خون کشیده اند ... آرزو دارم بدانم تو چه میخواهی ؟ بی فکر باش گپ و سخن مارا کسی دیگر شنیده نمی تواند .»

شیطان "سرخ" :- « سهم و حصه خودرا از جهان بیشتر میخواهی . ببین ! تونمی توانی پنج انگشت را به دهن فروبری . آخرمنافع من و هم پیمان های من را باید در نظر داشته باشی . من در افغانستان بقدر کافی صدمه دیده ام . ده ها میلیارد دالر خساره کرده ام اضافه از 15 هزار تن کشته داده ام از آبرو و حیثیتم خو نپرس که به خاک سیاه برابر شده . حالا که در پیکر های جدا شده ام در آسیای میانه و اروپا مداخله می کنی و در آنجا ها پایگاه های نظامی و زندان های خصوصی بناء می نمایی و آنان را بر علیه من تحریک می کنی بدان و آگاه باش که ماندنی ات نیستم میخوامم برایت زور شست نشان بدهم که هنوز جهان یک قطبی نشده است چنان زور شستی برایت نشان بدهم که فکر و ذکر یک قطبی جهان از سرت بدر شود .»

شیطان "سبز" :- « میدانی، تو اشتباه میکنی . مهره های را که خودت انتخاب کرده یی زیاد بدنام و ناکام اند و قاطبه ای مردم افغانستان از آنها نفرت دارند . کارنامه های ننگین و جنایات شان ابداً فراموش نمیشود .»

شیطان "سرخ" :- « میدانم ؛ مگر این مردم را هر کدام ما بار بار فریب نداده و آنها را در وضع بدی قرار نداده ایم . بگونه ای که خود را غریق در حال هلاکت دانسته و برای نجات خویش به هر خس و خاشاکی دست انداخته اند و هر ناکس را ناجی خود پنداشته اند !!
آیا خودت همین کارها را نکردی ؟

باترفند و توطئه آنها را بار بار فریب ندادی ؟ مثل کنفرانس بُن ، انتصاب رئیس جمهور ، انتخابات قلابی ، تشکیل دادن ولسی جرگه نام نهاد ، تبدیل نمودن پارلمان به لانه جانی ترین مجرمین خونخوار خلقی ، پرچمی ، تنظیمی و طالبی ، بازسازی ، انجوبازی ، و با شعار دموکراسی جعلی و... »

شیطان "سبز" :- « خیر باشد ؛ میگویند : " خود کرده را نه درد است و نه درمان " دود این آتش افروخته دست خودم ، امروز چشم خودم را کور میکند و کمر اقتصادم را میشکند . چه در عراق باشد ، یا در افغانستان . حالا فکر میکنم همه اعتراضات و مظاهرات سراسری در هر گوشه و کنار ، بویژه در دیار خودم و توسط هموطنان خودم زیر سر تست .

شیطان "سرخ" :- « اشتباه میکنی . اول که مردم شریف امریکا بادرک ماهیت استعماری و تجاوزکارانه ات تو را از خود نمیدانند . زیرا تو ستمگر نسبت به مردم خود هم بد کرده یی . دیگر اینکه تو راه همان « ششلول بند » های سرمایداری را که با تیل نفس میکشند و با تیل آدم میکشند ؛ دنبال مینمایی . میدانی چه تعداد مادران امریکایی را بی فرزند ساخته و به گلیم غم نشانده یی . آدم های زیاد در دیاری که تو آنها را از خود میدانی بسیار سوگمندانه از زباله های سدجوع میکنند و در زیرپل ها میخوابند زیرا بودجه و سهم رفاه آنها را تو شیطان در مسابقات تسلاحاتی و سازوبرگ نظامی بمصرف میرسانی و... »

شیطان "سبز" - « زیاد زیانت دراز شده ، من را مجبور به افشاء گری مینمایی تا ماهیت مستبد ، فتنه انگیز ، یکه تاز و متجاوزت را برخ جهان بکشم؛ مگر مادران روسی بر ماتم فرزندان شان سالهای درازی ننشستند . آنچه مایحصل تجاوزات استعماری ات زیر نام سوسیالیزم ، دموکراسی و جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد بوده در چکوسلواکیا ، بوسنیا ، چین ، رومانیا ، اتوپیا ، افغانستان و کجا و کجا با ایجاد دولت های تک حزبی نهاد های آدمخور جاسوسی و استخباراتی چه خون های که برپا نکردی ... »

شیطان "سرخ" - « کافیت . لازم به پرده برداری و افشاگری نیست . ما هردو را مردم جهان خوب می شناسند . هردو یک ماهیت داریم . هردو غدار ، متجاوز ، دزد و تبه کاریم که سرتقسیم غنایم باهمدیگر می جنگیم . »

شیطان "سبز" - « حالا تا جنگ واقعی و سوم راه ای درازی مانده یا نمانده ، در آینده خواهیم دید . خوب درمورد طرح شیطانی به اصطلاح "جبهه ملی یا شورای صلح " در افغانستان بگو . چه کس ها و ناکس های را گردهم جمع کرده یی تا در ضدیت چاکرک دست نشانده من را بدنام بسازی ؟ »

شیطان "سرخ": - « درین جبهه چهره های شهره و شهیری که برای جهانیان شناسا است جمع گردیده اند . آنهایی که روزی بنام عقیده به فرق باور همدیگر میخ میکوبیدند ویا با استعمال انواع سلاح های ثقیل و خفیف در ضدیت و اختلاف با هم کشور باستانی و زیبای را ویران و از کشته افغانهای بیدفاع و بیگناه پشته ها ساختند آنهایی که گورهای دسته جمعی ، پلیگون ها و زندان ها خط و نشان بنام شان دارند . آنهایی که زخم هرمرمی وراکت شان در دل دیوار ، درخت ، خانه ، جاده ، مکتب ، مسجد و غیره جای ها هنوز باقی است و هرویرانه ای در افغانستان نام هرکدام آنها را تکرار میکند . آنهای که با ذلالت و دون همتی به ناموس هموطن خویش وحشیانه و حیوانی

تجاوز کردند و یا آن مظلومین اسیر را به بیگانه ها فروختند . آنهایی که به آسانی پای روی خون یک ونیم ملیون شهید می گذارند و اشک چشم ملیون بیوه و یتیم را نادیده میگیرند . آنهایی که به عقب خویش نسلی بی سواد ، معیوب و معلول باقی گذاشته اند . آنهایی که تمام هستی مادی و معنوی مردم افغانستان را قسماً نابود و قسماً تاراج کردند . آنهایی که انسانیت ، و خلاصه هر اندیشه مترقی و عالی را ترور نمودند . آنهایی که ...

شیطان "سبز" - « بس ، بس ! اینقدر جنایت ، خیانت و ستم را ؛ حتا خود من هم دیده نمی توانم و هدایت هم نمی دهم . واقعاً بسیار دردناک و شرم آور است . اینها چه مردمان بی عاری هستند . راستی وقتی کسی غلام بی همت شد ؛ حتا به مادرش هم رحم نمی کند و گهی بخاطر منفعت خویش وی را هم خواهد فروخت ... آیا نام اینها را فهمیده می توانم ؟ »

شیطان "سرخ" - « متعجبم که تو نام و نشان آنان را نمی دانی ، نام و نشان "اخوان الکمونیست" مجددی ، "اخوان الکمونیست" ربانی ، اخوان نمای "کمونیست" قانونی ، اخوان نمای "کمونیست" مارشال خادیسست فهیم ، "کمونیست" الاخوان جنرال خردضابط گلاب زوی ، "کمونیست" الاخوان ظابط احتیاط علومی ، "کمونیست" الاخوان جنرال ولدینگکار دوستم و چند حقیر و کوچک دیگر را کیست که نشناسد ! »

شیطان "سبز" - « موقف آنها در جبهه چگونه است ؟ یعنی کی امر و کی مادون است ؟؟ »

شیطان "سرخ" خندیده می گوید :- « بسیار مسخره است ، ببینید آدم که خالی از غرور و غیرت میشود : بخاطر منافع چه کارهای که نمی کند ! مثلاً جهادی قهار ورنیس جمهور دیروز بدرجه علمی پروفیسوری آقای ربانی به صفت مادون تحت امر خردضابط کم سواد

که دیروز از طرف وی مرتد و ملحد خوانده میشد، یعنی آقای گلاب زوی قرار میگیرد و خوش هم است و ...»

شیطان "سبز" -: « دانستم . "اخوان الکمونیست" راکتیار گلبدین ، "اخوان الکمونیست" مسمارکوب خلیلی و "اخوان الکمونیست" وهابی سیاف را نام نبردید .»

شیطان "سرخ" -: « آنها و چند تایی دیگر نیرو های ذخیره اند که اگر این حنا رنگ نگرفت ، طرح دیگری خواهم انداخت و از وجود شرانداز آنها استفاده خواهم برد ... باز دروازه جبهه ملی باز است و شبیه کجکول ملنگ ها ، ما به هر پیچ و مهره و سکه ناچل اجازه دخول میدهیم و ضرورت داریم .»

شیطان "سبز" -: « مگر نظام و رئیس کنونی در افغانستان که از طرح های من بوده ناکام است که شما به چنین بازی متوسل شده اید ؟

«

شیطان "سرخ" -: « بلی ! نظام ناکام تر ازین پیدا نمیشود .»

شیطان "سبز" -: « مگر در همین نظام همین اشخاصی را که شما نام بردید قدرت و چوکی نداشته اند . پس آنها هم ناکام بوده اند ؟؟ »

شیطان "سرخ" -: « آنها ناکام نه بلکه قانونگذار قانون شکن و سرتا پای آلوده به انواع فساد بوده اند . یعنی همیشه از روی مصلحت و مفاد شخصی دوگام به عقب و سه گام عقب تر برداشته اند

« !!

شیطان "سبز" -: « دورنما یا برنامه حداکثر جبهه نام نهاد چه خواهد بود ؟ »

شیطان "سرخ" -: « کارکردهای جبهه در آینده نه چندان دور و بعید بلکه نزدیک وسعید و قشنگتر از عید برهمگان معلوم خواهد شد . »

شیطان "سبز" -: « سالی که نیکوست از بهارش پیداست و چیزی که عیان است چه حاجت به ترجمان است »

شیطان "سرخ" -: « بلی . نظر به قول گوینده جبهه نام نهاد و متحد "اخوان الکمونیست" آقای (عاصم) درین جبهه زار، اشخاص فهیم ، کاردان ، مردم دوست ، وطنخواه و ثابت قدم که در گذشته ها امتحان خود را داده اند جمع گردیده اند ؟؟ »

شیطان "سبز" - برمنکرش لعنت . مگریار شترپلنگی در خفا آشتی و در ظاهر جنگی ! بیایید دوستانه و خودمانی اعتراف نماییم که آیا ایجاد این همه جنجال ها ، سیستم ها ، نظام ها و جبهه ها در اینجا و آنجای جهان خود ما را دچار مخصصه و تهلکه ، در دسر و بدنامی نمی سازد ؟ »

شیطان "سرخ" - : « خوب شد حرف آخر را گفتم . خدای عالمیان من و تو را از جهان گم کند تا مردم دنیا از شرما راحت شوند و ما هر دو از شر همدیگر راحت شویم .»

شیطان "سبز" -: « چه فایده ، اگرما مضمحل و نابود شویم جای ما را ابرقدرت دیگری خواهد گرفت . این تعدی و تجاوز همچنان ادامه خواهد داشت تا سودوسرمایه انگیزه ای باشد در جهان» .

شیطان "سرخ" -: « راست گفتم . تا توده ها بیدار نشوند . شعورسیاسی پیدا نکنند و اشتیاقی برای آزادی ، دموکراسی واقعی و خود ارادیت نداشته باشند ، همین آش خواهد بود و همین کاسه و هر غلام وجدان مرده وجدان مرده ای دیگری خواهد زانید .»

شیطان "سبز" - در آخربگو این انترکت یا پیش پرده بی چه معنا دارد ؟

شیطان "سرخ" -: « معمولاً در نمایشنامه های بزرگ و چند پرده بی برای اینکه در عقب پرده دیکور، دیزاین ، صحنه سازی و صورت سازی انجام پذیرد و آدم های نمایشنامه تغییر و تبدیل شوند جهت مصروف نگه داشتن بیننده ها چند کمیدین برای مدت کوتاه ای در پیشروی پرده به لودگی می پردازند با اداء و اطوار و جملات تماشچیان را می خندانند و یا خواننده ای با سرایش شعری انتقادی و

یا اشعار عشقی و یا حماسی رزمی حضار را مصروف می سازند -
ناتور[اینست معنای انترکت یا پیش پرده بی] .

شیطان "سبز" :- « حالا فهمیدم که طرح این جبهه به اصطلاح
"ملی" هم یک انترکت و پیش پرده یست تا اجرای نمایش اصلی که با
کش کردن پرده معلوم خواهد شد » .

شیطان "سرخ" - « بلی . حالا که فهمیدی برویم وقت انترکت به
پایان رسیده است و نمایش اصلی شروع میشود .

بلی ! آن درامه هایی که ماهر دو برای مردم ستمدیده جهان از برای
اغفال و تحمیق و چپاول ثروتهای آنان و تقسیم این ثورت های بی
کران و منافع ، بین خود ؛ نوشته و کارگردانی کرده ایم » .

شیطان "سبز" - : « تو که به خدا ایمان نداری . من دست دعا به
آسمان میکشم که این نمایشات من و تو در تداومش به شکستن
چوکی و میز و ساز و برگ دیکور و دیزائن و مکیاژ و سوختن پرده
و آتش زدن تالار و محاصره ما نینجامد و ما زنده زنده در آتش عقل
و خرد و خشم و کین و نفرت و انتقام خلق های بیای خاسته
افغانستان نسوزیم . بخدا دلم می لرزد برادر جان ... آخر چکنم ملامتم
نکن که در کوریا و ویتنام و چین وسایر کشور ها در آتش همین
نمایشات سوخته و بقسمی نگذاشته ام که سر و کله ام به خاکستر
مبدل شود . دلم می لرزد یا عیسی مسیح مددی ... »